



رجال نوابغ

نکارش جناب غلام جیلانی خان اعظمی
معاون انجمن ادبی کابل

رجال برجسته و قهرمانان بزرگ اجتماعی عادتاً در مواقعی خروج میکنند که
غبار بدبختی و مذلت حیاتی نضای تمدن و سعادت افق اجتماعات و اقوام بشری را
فرا گرفته میباشد.

موقعیکه حکومت مختلفه مملکت آلمان از هم مجزا و قدرت فرانسه کاپیتولاسیون
عسکری خود را در آن سرزمین اجرا و اتحاد باقی دول قوی همسایه موجودیت
آتمملکت را تهدید میکرد؛ در چنان فشار بدبختی شخصیت بزرگ و مدبری مثل
فریدریک کبیر پادشاه و زمامداری پیدا شد که آتمملکت را بکلی از آسیب
خارجیان و اختلافات داخلی نجات داده و چند حکومت قوی جرمنی نژادی را بهم
زودیک و متحد ساخته امپراطوری آلمان را قائم و بالاخره شالوده برای بنای قدرت

و ترقیات و اتحادات آلمان ریخت که آغاز سعادت ملت مذکوره ازان زمان شناخته میشود . آنملت بزرگ روزمره نائل عظمت و ترقی گردیده و پروگرام فریدریک کبیر بلافاصله از طرف اخلاف وزمامداران امور آنسر زمین تطبیق یافته و به محل اجرا گذاشته شد .

فریدریک کبیر نه تنها در حیات خود موفق بیاره اقدامات بزرگ و کارنامههای مهمی شده و مصدر خدماتی بمات و مملکت خود گردید بلکه رجال و اولاد لائقی را تربیه و پروگرامی وضع نمود که بعد وفات آنمرد بزرگ ملت و مملکت جرمنی بحال بیکی نمانده و آن آرزوهائیکه فریدریک کبیر در حیات خود برای سعادت ملت جرمنی میروراند عیناً اخلاف او همه آن اعمال مهمه را عملی نموده توانستند . کذا میکادوی اعظم ژاپون در حالیکه سر ناسر خاک آن مملکت را وحشت و بدبختی استیلا کرده و در انجا از عام و تمدن خبری نبود حتی علاوه بمشکلات و بدبختی های داخلی بعضی خاک های طبیعی مملکت شان نیز معروض طمع و پلان استعمار خارجی ها قرار گرفته بود که ملت جاپون ازان بدبختی ها تخلص گریبان کرده نمیتوانست ولی میکادوی بزرگ یعنی پادشاه ترقیخواه ملت پرور نخستین جاپون بطوریکه همه میدانیم در عهد زمامداری خود بلافاصله اسباب و وسائل سعادت کشور و ملت خود را بطوری فراهم آورده و مصدر چنان خدماتی شد که در عرصه چند سال قلیل ملت جاپان ضرب انمثل جهان بشریت واقع شده اعم از موفق شدن باصلاحات داخلی قدرت و شوکت اداری او دندان طمع اجنبی را نسبت بخاک جاپان نیز از ریشه بر کند ولی ترقیات کنونی جاپان را وقتنا که انسان فکر میکند میداند این اسباب و وسائل و ترقیات محیر العقول امروزه از انجمله وسایلی نیست که

میکادوی اعظم موسس تمدن ژاپون آنرا بوجود آورده باشد یا در عصر
 میکادوی اعظم تماماً این تمدن موجود عرض هستی کرده باشد بلکه تمدن
 بزرگ و ترقیات مهم امروزه مملکت جاپون ماحصل زحمات و مرهون خدمات
 و قابلیت اخلاف میکادوی اعظم و زاده پروگرام او است یعنی شالوده را که
 میکادوی اعظم بمقصد سعادت و ترقی جاپان در حال حیات خرد ریخته بود و آن مرد بزرگ
 بسعادت و عظمت جاپان بقدر آرزو و آمال در دوره حیات خود بمحصول آن موفق نشده
 و انتظار پیشرفت و حصول آنرا که از اخلاف و پروگرام معقول خود میدانست لهنار جالی
 را برای پیشرفت این آمال پرورش داده بود که آنها در مرور ۲۲ سال بعد آمال و آرزوهای
 میکادوی اعظم را عیناً عملی ساخته و آنگونه جاپانی را که میکادومی خواست
 امروز بوجود آورده توانستند.

وقس علینا در نوابغ بزرگ و شریف اسلام حضرت معاویه رض، هارون الرشید
 مامون، سلطان محمود غزنوی و در نوابغ دیگر ملک و اشنگتن معروف امریکائی،
 ناپلیون فرانسه، پتر کبیر اردیبلی، کرم ویل انگلیسی که هر کدام اگر در حیات
 خویش مصدريك قسمت خدمات و افاده بملك و ملت خود شده توانستند ولی رجال
 و تربیه شدگان عصر آنها باقی پروگرام این نوابغ را به بهترین وجهی بعد از وفات
 شان تطبیق داده توانسته و آمال و ارادات شانرا در مملکت خود ها مثمر نتایج خیلی
 خوب و عالی گردانیدند.

نابغه شهیر و قائد بزرگ افغانستان ما « اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی »
 که همه بسوانح پرافتخارش آشنا و از کلیات الی جزئیات خدمات و آمال و آرزوهای

آن پادشاه بزرگ را مسبوقیم عیناً دارای همان خصائل و افکار برجسته بودند که رجال معروفه اسلام و نوابغ دیگر بشریت با آن صفات بزرگ اجتماعی شناخته میشوند مثلاً اعلیحضرت محمد نادرشاه کبیر در هر موقعیکه مصروف خدمات وطن بودند یکطرف باصلاح معایب و جلب منافع مملکت و ملت خود صرف مساعی و توجهات شاهانه را مبذول میفرمودند که از جمله حوائج آتی شمرده میشد دیگر سوا از افکار و عملیات و اخلاق شریف خود برای مادیونین و کسانی که شرف خدمتگذاری را در معیت ذات شاهانه اش داشتند سرمشق های خوبی با آنها داده علاوه بر آن بصورت يك معلم و مربی دانا مستقیماً بتربیه شان میکوشیدند اگر روزی وطن افغانستان فاقد آن وجود بزرگ و قیمتدار شود ملت و مملکت افغانستان بحال بی کسی مانده و بدبختی گذشته خود رجعت نکند. رجال عهد نادرشاهی در آن موقع که آن نابغه بزرگ ما حیات داشت بقدر وضوح جلب و توجه و انظار اهالی مملکت ما را نمیتوانستند

ستاره آنکه در خشان بود که خورشید از دینه پنهان بود

بلکه در آن موقع ما بطور مرعوب و واضح خدام صحیح کشور خود را باید دیده و شناخته نمیتوانستیم ، زیرا شخصیت بزرگ و اشعه تابناک لیاقت و سلطنت آن شهریار شهر بقدری چشم ها و افکار ما را مجذوب خود ساخته بود که ما از نهایت اطمینان و قوت قلب از هر نعمت دیگری خود را مستغنی شمرده و محتاج باین مذاقه و تفتیش نبودیم . ولی هنگامیکه این آفتاب روشن از افق مملکت ما افول کرده و دفعتاً چشمهای ما از دوری آن وجود عزیز و گرامی شروع بخیره گوی کرد طبعاً در صدد چراغها و ستاره های روشنی شدیم نادر تاریکی بدبختی نمایم .

ولی خدا برا شکر میکشیم که آن حقیقت روشن یعنی فوق العاده گوی و عظمت

مقام اداری و اجتماعی اعلی حضرت محمدنادرشادغازی بنزد ما حقیقی تر و روشن تر شده و نخستین این تجربه یا آن نتایج مطلوب از خانواده شاه مغفور ما بروز کرد یعنی فرزندرشید و برادران لائق و شریف شان و الاحضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم و والا حضرت وزیر صاحب حربیه غازی هر کدام بایک استعداد قوی و یک لیاقت فوق العاده مصروف عملیات عمده و کارنامه های درخشانده شده و از مصائب و بدبختی که خدای ناخواسته انتظار میرفت با نهایت جدیت و مردانگی جلوگیری کرده و آنچه در خور اداره و انتظام لازمه این خاک است معمول داشته و امروز عیناً مثل عهد پرافتخار « اعلی حضرت محمدنادرشاه شهید » اجرا و پروگرام آن قائد فقید را تطبیق و عملی می نمایند.

کذا ما مورین و رجال محترم عصر نادرشاهی که در آن زمان فرخنده بخود مرکز و ولایات مصروف خدمتگذاری و افاده بوطن عزیز بودند امروز می بینیم استعداد و فعالیت ذوات گرامی شان بخدمات و دلسوزی بوطن و مملکت بیشتر و با صداقت و جدیت خوبتری مصروف اداره و انتظام مملکت عزیز ما میباشند!

لهذا اگر هموطنان عزیز و آنهایکه آرزو مند سعادت و خوشبختی وطن هستند و پس از فقدان آن قائد و مربی بزرگ شاید دچار یاس و ناامیدی شده باشند، میتوانند از روی همین اصلی که در بالا ذکر شد و بوطن عزیز افغانستان را در تحت زمامداری شهریار جوان موجوده اعلی حضرت محمدظاهر شاه نجیب و برادران رشید شاه شهید و خدام با عزم و صادق فعلی یعنی تربیه شدگان عصر منور نادرشاهی که هر کدام بهمان فضائل و خصائل بزرگ عصر ممدوح متحسب بوده و بطوریکه تا حال از عهد

این تجربه بزرگ بخوبی برآمده توانسته اند و امیدواریم سعادت آینده کشور ما هم در قبال شرافت و جدیت آنها تأمین شده برود باید مطمئن و منتظر باشند - زیرا « اعلی حضرت نادرشاه نام دار شهید » هم چو بعضی شاهان سابق ممالک مشرق زمین نمیخواست . بوجود خود مملکت و امور آنرا منحصر سازد ، و جامعه را بعد از خود بحال بیکسی و بدبختی دچار سازد ، بلکه این قاید مدبر و دانا ، و این شهریار رشید و توانا ، بارها در ایام حیات شریف خویش میفرمودند " من درین شما بیشتر از فردی نیستم هر کسیکه حب وطن ، جدیت ، غیرت و صداقت را شعار خود سازد میتواند برای افغانستان عزیز مصدر خدماتی خوبی گردد .

در اثر همین گونه فرمایشات حکیمانه و حسن تربیت صحیح آن مربی و پادشاه با علم و دانش است که امروز می بینیم مامورین افغانستان در مرکز و ولایات فرمایشات و تعلیمات مربی بزرگ خود را نصب العین قرار داده بایک جدیت و فعالیت قابل تقدیری به وطن عزیز خدمت نموده بیرونی خیالات آن شاه نجیب و پرورش دهنده محبوب خود را مینمایند .

در خاتمه از خدای متعال برای عموم خدام صحیح و شریف وطن عزیز که ملت بنظر احترام بایشان نگریسته و بده فعالیت و صداقت شان اطمینان و اعتماد دارند موفقیت کامله را تمنا مینمائیم .

